

مصاحبه‌شونده: حجت الاسلام و المسلمین سید ابومحمد مرتضوی

مصاحبه‌کننده: -

تاریخ مصاحبه: ۸۵/۹/۵

سال ورود: ۱۳۶۹

م.ک: لطفاً بیوگرافی خود را بفرمائید؟

خیرمقدم عرض می‌کنم تشریف آوردید و خسته نباشید برای کاری که پیش رو دارید و فعالیتی که درخصوص معرفی این دانشگاه انجام می‌دهید. بنده متولد فروردین هستم و جهت تحصیل حوزوی به قم رفتم و در آنجا تحصیلات خود را سپری کرده‌ام. بعد از اتمام سطح، حدود ۸ سال درس خارج در اصول فقه را خوانده همچنین کارشناسی علوم تربیتی از دانشگاه قم را نیز در کنار درس فلسفه و کلام خوانده‌ام.

م.ک: از چه سالی به دانشگاه آمده اید؟

من از سال ۶۹ به دانشگاه آمده‌ام؛ حدود ۱۴ سال پیش.

م.ک: لطفاً درخصوص فضای حاکم در دانشگاه در آن سالها پس از اتمام جنگ توضیح دهید؟

علت آمدن من به دانشگاه این بود که بنده در قم فعالیت‌های علم مربوط به حوزه داشتم مانند: فقه - تاریخ - مسائل بانک اسلامی بدون ربا - تحقیق و احیاء بعضی از تألیفات دانشمندان گذشته مانند محقق اردبیلی و همچنین درخصوص کتاب کشف الاسرار که بعضی از این کارها به مرحله چاپ رسید و بعضی هم نیمه کاره ماند. در مورد تاریخ هم به مدت ۳ تا ۴ سال همکاری داشتم ابتدا شرح حال رجال قرن چهارم هجری را ترجمه می‌کردم مقداری هم درخصوص فهرست نویسی کار کرده براساس نظام بیوری این کار را انجام دادم و تقریباً بیشتر و یا همه نشریات ایران را از ابتدا تا به انتها تا حدودی مطالعه کرده - تاریخ را هم همین‌طور - مدتی هم در باب جمع آوری و گردآوری ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در اسلام کار کردم (کلیه منابع شیعه) و کاری هم در خصوص فقه انجام دادم - دربخش قواعد فقهی زیر نظر یکی از مراجع کتابی را به چاپ رسانده‌ام. در این زمینه ها فعالیت داشتم تا اینکه یکی از دوستان که در آن زمان مسئول نهاد دانشگاه صنعتی شریف بود و می‌خواست از دانشگاه برود و علاقه مند بود که من جای ایشان مشغول به کار شوم. بنده نیز پس از مشورت و تفکر به این نتیجه رسیدم که مدتی را دور از فعالیت‌های حوزوی در دانشگاه مشغول بکار شوم بعد از مدتی هم علاقه مند شده و تا به امروز در این جا ماندگار شدم؛ این یک جهت قضیه است. یک جهت دیگر این است که من با دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی شریف انس گرفته و نهایتاً احساس تعلق خاطر می‌کنم اگر چه من در زمینه علمی بسیار ضربه خورده و از کارهای عملی دور افتاده‌ام و در این جا به کارهای روزمره مشغول شده‌ام.

م ک : در حال حاضر دفتر نهاد رهبری در دانشگاه در مورد دانشجویان چه فعالیت هایی را انجام می دهد؟

زمانی که من به دانشگاه آمدم سه مرکز فعالیت فرهنگی می کردند ۱- جهاد دانشگاهی ۲- انجمن اسلامی دانشجویان ۳- نهاد نمایندگی. این سه مرکز در عرصه فرهنگی فعالیت داشتند زمانی که من به دانشگاه آمدم احساس کردم که یکسری از کارها انجام شده در نتیجه اولین کاری که انجام دادم سمیناری بود تحت عنوان الگوی نسل جوان - دوستان قبلاً سمیناری را در این زمینه برگزار کرده بودند اما این سمینار در سطح کشور بسیار تأثیر گذار بود؛ بیان جدی در خصوص نسل جوان ، سمیناری که نسل جوان را به عنوان یک مسئله در سطح کشور مطرح کرده بود. بهر حال اینها قسری هستند که باید در خصوص آنها مطالعه شود و به مشکلات آنها رسیدگی گردد و اثرگذاری جدی در کشور خواهند داشت که تا آن زمان توجهی به این قشر نبود. این اولین سمیناری بود که مشکلات این نسل را مطرح می کرد و اولین سمیناری که الگویی را مطرح می نمود تقریباً اینها در کشور بی سابقه بود. سمینار بعدی را که پایه گذاری کردیم بنده به دانشگاه وارد شدم و شروع به گردآوری کتابی کردم در خصوص این سمینارها و جوان و مشکلات آن را مطرح و چاپ نمودم. سمینار دیگری پایه گذاری کردم و انجام شد تحت عنوان جوان و ازدواج که به نظر من پرمخاطب ترین و پراستقبال ترین سمیناری بود که انجام شده است از تمام نقاط کشور آمده بودند و مشارکت می کردند و تقاضای بسیاری در خصوص افزایش زمان آن داشتند و بعد در این خصوص بحث می کردند. دو کار جدی را آن زمان نهاد علاوه بر کارهای معمولی خود انجام داد، یکی از آن سمینارها بود که مبتکر آن نهاد بود و دیگری هم در باب اردوهای دانشجویی که الان هم این اردوها را نهاد انجام می دهد علت آن نیز این بود که دانشجویان همدیگر را می شناختند و یادگیری می کردند تا کارهای فرهنگی خود را انجام دهند. منتهی مشکلاتی نیز پیش می آمد که آرام آرام برطرف شده همزمان با افتتاح خوابگاه طرح ۳ ما نماز جماعت را در آنجا برگزار کردیم که منجر به تشکیل هیات ۱۴ معصوم شد. بنده نیز عضو موسس این هیات هستم. این اولین هیات مذهبی بود که در دانشگاههای ایران تشکیل می شد فعالیت های خیلی خوبی هم داشت یعنی کلیه فعالیت های خوابگاه از این مجاری انجام می شد تا به امروز که کارهای خود را بخوبی انجام داده فکر می کنم مهمترین اتفاقی که با تشکیل هیات ۱۴ معصوم رخ داد این بود که این هیات منشاء تشکیل گروه های دانشجویی بود. یعنی بعد از آن کانون قرآن تشکیل شد. کانون قرآن طی صحبتی که در خوابگاه متاهلین داشتیم بعد از نماز جماعت تشکیل شد بعد از کانون قرآن آرام آرام رفتیم به سراغ باز کردن فضای دانشگاه برای تشکیل گروه های بیشتر که سلیقه های متفاوتی بتواند در آن کار کند. در تشکیل این گروهها لازم است یادآوری کنم که مهندس موسوی نقش اساسی داشتند. قبل از آمدن من به دانشگاه مجموعه فعالیت های گروه های دانشجویی را آقای مهندس میرزایی بهمراه آقای مهندس جوادی انجام می داد. آقای فراهانی و رستمی و خیلی از افراد دیگر از فعال ترین چهره های آن موقع در تشکیل گروهها و سمینارها بودند. آقای میرباقری کمکهای مفید و بسیاری انجام داد و از همین جا بود

که شورای عالی جوانان تشکیل شد و بعد سازمان ملی جوانان که آقای میرباقری مسئولیت آن را داشتند و بعد تکثیر کانون و گروههای دانشجویی که در سالهای ۷۴-۷۳ به ۲۵ میلیون رسید که برای همه دانشگاهها بسیار تازگی داشت .

م.ک : در آن زمان فوق برنامه به وجود آمده بود؟

فوق برنامه در زمان مهندس میرزایی شروع شد من در زمانی به دانشگاه آمدم که دکتر صالحی رئیس دانشگاه بود و بعد دکتر اعتمادی آمدند. در زمان ایشان تکثیر گروهها و کانون قرآن شروع شد. ایشان بسیار در این زمینه علاقه مند بودند. کار مثبتی بود و همه سلیقه ها را جواب می داد اما بعد دچار مشکلاتی شد لازم به یادآوری است که اولین نشریه دانشجویی هم در آن زمان مربوط به دانشگاه صنعتی شریف بود که تقاضا شد دانشجویان درخصوص نامگذاری آن پیشنهادات خود را بدهند که در آخر نقطه سر خط انتخاب شد. همین طور آرام آرام تا به الان تعداد گروهها افزایش یافت.

تعداد گروهها به ۲۵ گروه رسید که دکتر اعتمادی بنا به دلایلی استعفا داد . جناب آقای دکتر صدرنژاد آمد ایشان سیاستی داشتند که خیلی فعالیت گروهها و باز کردن فضا را برای سلیقه های متفاوت و مختلف نمی پسندیدند در ابتدا قرار بود ایشان از من حمایت کنند بعد این اتفاق نیفتاد و مشکلات جدی ایجاد شد در این زمان مهندس میرزایی که مسئول روابط عمومی دانشجویان بودند و با دکتر اعتمادی کار می کردند دفتر کارشان نیز دفتر ریاست دانشگاه بود رفتند؛ همچنین مهندس سیه بازی که از دانشجویان بود. شرایط به نحوی بود که نتوانستند به فعالیت خود ادامه دهند. زمانی که دکتر اعتمادی رفتند خیلی از افراد دیگر هم نتوانستند خود را با شرایط موجود تطبیق دهند در آن زمان بسیار بر ما سخت گذشت. یکی دو سال من مجبور بودم با مشورت بعضی از بزرگان این گروهها را حفظ کنم این گروهها شامل گروهها علمی، هنری و مذهبی بودند. بسیاری از بچه ها با من همکاری داشتند منتهی هزینه بسیاری (هزینه معنوی و مادی) در این زمینه پرداخت شد . بسیاری از بچه ها درس و وقت شان را گذاشتند. بعضی نتوانستند ادامه تحصیل دهند انصراف دادند و برای برخی از آنان مشکلات دیگری بوجود آمد. فضای سختی حاکم بود بعد زمانی که دکتر سهراب پور رئیس دانشگاه شدند تقریباً این وضعیت گروهها را پذیرفتند و تقویت کردند. بهر حال من قصد دارم دانشجویان با خواندن این مطالب قدر دان بعضی از مجریان باشند که تأثیر گذار هستند. حالا با تأیید شان با تقدیرشان تا به حال هر حرکت مثبتی را که کسی تعریف کرده ایشان کمک کرده اند و معمولاً علاقه مند بوده اند.

م.ک : شما در شورای فرهنگی دانشگاه هم هستید در این شورا بسیاری از فعالیت های دانشجویی مطرح به بحث گذاشته می شود اگر مقایسه بکنید فعالیت های قبل از سال ۷۴ و بعد از سال ۸۰ را به نظر شما تغییری در محتوای این برنامه ها داده شده طرز فکر دانشجویان تغییر کرده و یا برنامه خاصی که در آن زمان مخاطب بیشتری داشته فرق کرده است؟ چیزی که به نظر تان مشهود است بیان فرمائید.

به نظر من که تغییرات بسیاری داشته است. رویکرد فعالیت های فرهنگی رویکرد خاصی بوده است؛ بیشتر سیاسی اجتماعی خیلی غلظت داشته است. در یک مقطعی باز مسائل سیاسی خیلی پررنگ بوده و در یک مقطع مسائل اجتماعی پررنگ شده است. مثلاً طرح گروه های خیریه برجسته بود به همین ترتیب نوسان داشت در حال حاضر فعالیت های سیاسی اصلاً به غلظت و پررنگی آن زمان نیست بلکه کم رنگ تر از آن چیزی هم که باید باشد هست تا حدودی هم سرد است به نظر من فعالیت های مذهبی استقبال بیشتری دارد، همین طور گروه های خیریه، گمان می کنم گروه های هنری و علمی هم باز بد نیست شاید در حال حاضر فعالیت های هنری پررنگ تر از فعالیت های علمی باشد.

م.ک: در این مدت اگر خاطره ای از دانشجویان یا گروه های دانشجویی دارید بفرمائید؟

خاطره های تلخ و شیرین فراوانی است بعضی از آنها برای من بسیار جدی هستند. شاید گفتن آنها مسئله ساز باشد باز فکر می کنم چه خاطره ایی را می توان بازگو کرد که مناسب مطالب شما باشد؟

م.ک: بین جو دانشجویان این دانشگاه با دانشگاه های دیگر چه تفاوت هایی می بینید؟

باید در آن فضاها هم قرار گرفت منتهی از دیدگاه دوستان که هم این جا بوده اند و هم در دانشگاه های دیگر ارزیابی آنها این است که دانشگاه در حرکت های خودش به نحوی عقلانیت منطق را خیلی ملاحظه می کند تا احساسات خاص، یعنی کمتر دچار مسائل احساسی هستند، کمتر می توان با بوجود آوردن کارهای احساسی بچه های این دانشگاه را تکان داد، شاید در دانشگاه های دیگر این طور نباشد. نکته بعدی سرعت کار و شتاب آن است؛ در این جا همین طور که از لحاظ علمی شتاب دارند در کارهای فرهنگی هم همین طور شتاب جدی وجود دارد از همان اول هم به این ترتیب بوده و به همین جهت کار خیلی فراوان و مقدار کم و تصمیم گیری باید با سرعت انجام گیرد و کارکردن در این جا سخت است من در دانشگاه دیگری هم همزمان بوده ام آنجا را می توانم مقایسه کنم. در این جا کار بسیار راحت تر و ساده تر می باشد.

م.ک: بسیار متشکرم از اینکه وقت خود را جهت این مصاحبه اختصاص دادید.